

جبهه ملی ایران با اتحاد استراتژیک با روسیه و دادن پایگاه نظامی کشور به آن دولت مخالف است جهت ثبت در تاریخ



درست یکصد سال قبل، مارک سایکس و ژرژ پیکو، نمایندگان دولتین انگلیس و فرانسه در پشت میز مذاکره منطقه خاورمیانه را بین خود تقسیم کرده و سهمی هم برای روسیه تزاری آن روز در نظر گرفتند. از آن هنگام تا هم‌اکنون سرزمین های نفت خیز و بازارهای جذاب این منطقه درگیر رقابت ها و منازعات آشکار و پنهان قدرت های جهانی بوده است. چه کودتاها و چه انقلابات و چه جنگ ها و خونریزی ها که در نتیجه مناقشات بین قدرت های استعماری در این منطقه روی داده است. اما از زمان توافق نامه سایکس - پیکو بین انگلیس و فرانسه، صحنه سیاسی جهان تغییرات عمده ای را شاهد بوده است. بعد از سال ۱۹۱۷ به جای روسیه تزاری، کشور « اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» پا به عرصه وجود گذاشت که تخاصم این کشور با غرب و جهان سرمایه داری، رقابت ها و کشمکش های فزاینده ای را در جهان و این منطقه در پی داشته است. از پایان جنگ جهانی دوم آمریکا، به صورت قدرت فائده و اثرگذار و فاتح اصلی جنگ پدیدار گردید. و در دهه های اخیر کشور چین هم به صورت یک نیروی جهانی قابل محاسبه اظهار وجود میکند. بدیهی است که هر یک از این قدرت ها در جستجوی نفوذ بیشتر و کسب منافع افزون تری در منطقه حیاتی خاورمیانه باشند. و تضاد منافع این بازیگران است که خاورمیانه را شخم میزند و این منطقه را به عرصه نبرد ویرانگر آنان مبدل کرده است. رویداد های این منطقه چه بهار عربی باشد و چه بیداری اسلامی نامیده شود و چه به صورت جنگ بین اعراب و اسرائیل تجلی نماید و چه نزاع بین شیعه و سنی قلمداد گردد، همه اش تخریب کشور های منطقه و باز پس گرفتن دلارهای نفتی و ریخته شدن ثروت به حلقوم غارتگرانی است که این درگیری ها را طراحی و برنامه ریزی کرده اند.

زمانی که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در رقابت های جهانی تاب مقاومت نیاورد و از هم پاشید، این جمله پر مفهوم گفته شد که درست است که اتحاد جماهیر شوروی وفات یافته و پیکرش هم به خاک سپرده شده ولی باید بدانیم که شیخ آن هم چنان در آن محدوده قدم میزند و امروز شاهدیم که روسیه به عنوان شیخ اتحاد جماهیر شوروی سابق برپا شده و همه جا جولان میدهد. کریمه را به خاک خود ضمیمه میکند، در شرق اوکراین جنگ و جدائی طلبی راه می اندازد و اصرار دارد سوریه را به عنوان پایگاه و هم پیمان قدیمی خود در خاور میانه حفظ کند. روسیه برای حمایت از رژیم دیکتاتوری بشار اسد به سوریه لشکرکشی میکند، رژیمی که ظرف ۵ سال گذشته، صدها هزار نفر از شهروندان خود را کشته و میلیون ها نفر را آواره کرده و سوریه را به تلی از خاک مبدل نموده و عامل اصلی پیدایش آدمخوارانی به نام داعش بوده است.

در چنین اوضاع و شرایطی حضور فعال ایران در مناقشات منطقه چگونه قابل توجیه است؟ آیا این حضور پر رنگ با منافع ملی ایران تطبیق می‌کند؟ یا ممکن است حوادث ناخوشایند و غیر قابل تصویری را بر کرده این کشور بار نماید؟ حافظه تاریخی ملت ایران از یاد نبرده است که چگونه نگاه مثبت رضاشاه به هیتلر و تنها آوردن تعدادی مهندس و کارشناس آلمانی برای انجام عملیات عمرانی به ایران بهانه ای گردید تا در شهریور ۱۳۲۰ به طور ناگهانی این سرزمین مورد تجاوز و اشغال قوای روس و انگلیس و آمریکا قرار بگیرد و پس از پایان جنگ دوم چگونه قوای روسیه بر خلاف قراری که با متحدانش داشت، از تخلیه خاک ایران به انحاء و ترفندهای مختلف مانند ساختن فرقه دموکرات آذربایجان طفره می‌رفت و اگر اخطار شدیدالحن ترومن به استالین نمی‌بود شاید آذربایجان از ایران جدا و به پشت پرده آهنین کشیده می‌شد.

روسیه در موارد مکرر سابقه ضربه زدن بر منافع ملی ایران را در کارنامه خود دارد. از تحمیل قرار دادهای خفت بار گلستان و ترکمن چای و بلعیدن سرزمین های وسیعی از ایران گرفته تا هواداری از مرتجعین در انقلاب مشروطیت و به توپ بستن مجلس، و کوشش در تجزیه ایران بعد از جنگ دوم، و خصومت با دولت ملی مصدق چه مستقیم و چه توسط حزب توده دست آموزش، تایید و همراهی با کودتای ننگین ۲۸ مرداد، ندادن یازده تن طلای بدهی خود به دولت ملی مصدق و دادن آن به کودتا چیان جانشین مصدق و در همین اواخر پیمانال کردن حقوق ایران در دریای مازندران و رای دادن به تحریم های بین المللی علیه ایران شمه ای از برخورد های روسیه با ایران است. با این اوصاف چگونه ایران میتواند با روسیه اتحاد استراتژیک داشته و پایگاه نظامی خود را در اختیار آن دولت بگذارد؟ این حرکت نه تنها کاملاً مغایر با شعار «نه شرقی، نه غربی» جمهوری اسلامی است بلکه با منافع و حاکمیت ملی ایران نا همخوان و با نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی در تضاد میباشد.

ملت رنج دیده ایران پس از انقلاب، یک جنگ ۸ ساله را با آن همه خسارات جانی و مالی پشت سر گذاشته و سپس در نتیجه سوء سیاست ها گرفتار تحریم های ویرانگر گردیده و اکنون با توافق نامه برجام امیدوار گشته که از نابسامانی های اقتصادی، فقر و بیکاری و گرانی و فضای به شدت بسته سیاسی رهایی یابد و در صلح و آرامش به ساختن جامعه خود پردازد.

سوء سیاست های تازه با عواقب نا معلوم را بر کرده این ملت بار نکنید

نهم شهریور ماه ۱۳۹۵

تهران - جبهه ملی ایران